

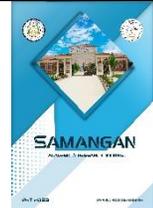


Samangan Scientific and Research Journal

<https://researchsparker.edu.af/index.php/SARJ>

DOI: 10.64226/sarj.v2i01.51

ISSN: 3006-8835



An Examination of the Foundations and Challenges of the Scientific Interpretation Method

Mehrabuddin Shahab^{1,*}

¹Department of Islamic Education, Faculty of Sharia, Samangan Higher Education Institute

* Corresponding Author: mehrabshahab26643@gmail.com

Cite this study:

Shahab, M. (2024). An Examination of the Foundations and Challenges of the Scientific Interpretation Method, Samangan Academic and Research Journal, 2(1), 146-158.

Keywords

basics, interpretation, method, science, Quran.

Research

Received:

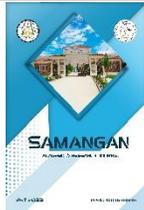
Revised:

Accepted:

Published:

Abstract

The purpose of the scientific interpretation of the Holy Qur'an is to explain the verses of the Qur'an by means of new sciences. The science here means experimental sciences, that are, sciences that test the correctness or incorrectness of the theories and laws governing nature through trial and error. Checks. This method has been started since ancient times and has continued until now, and it is also of special importance, and there is a difference in its acceptance and validity, but it is always a stepping stone in favor of the proponents, even though the majority of Islamic scholars have agreed on its acceptance. And it has been considered as one of the important interpretation methods. However, in the way of using and interpreting it, they have put forward different viewpoints in such a way that some have called scientific interpretation in the sense of extracting all sciences from the Holy Quran, and some have called the application and imposition of scientific ideas on the Qur'an as scientific interpretation. Others have considered scientific interpretation to mean the use of science to better understand the verses of the Holy Qur'an and to prove the scientific miracles of the Qur'an. Each of them has mentioned reasons to prove their claim. The present research, using the analytical descriptive method, has also warned about the harms of the scientific interpretation method, which is caused by excesses and excesses in this kind of interpretation. The findings of the research show that the scholars of Qur'anic sciences, for that, aim for the basic principles such as the centrality of the Qur'an, the difference between the fields of religious and human knowledge, reference to definitive laws, non-opposition to certain themes of Sharia and avoiding accusing the Islamic Ummah of ignorance. The validity criteria of this method have been determined.



مجله علمی-تحقیقی سمنگان

<https://researchsparker.edu.af/index.php/SARJ>

DOI: 10.64226/sarj.v2i01.51

ISSN: 3006-8835



بررسی مبانی و آسیب‌های روش تفسیر علمی

پوهنپیار محراب‌الدین شهاب^{1*}

دپیارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، مؤسسه تحصیلات عالی سمنگان

* نویسنده مسؤول: mehrabshahab26643@gmail.com

مرجع‌دهی:

شهاب م. (1403). بررسی مبانی و آسیب‌های روش تفسیر علمی، ۲(۱)، 146-158

کلمات کلیدی

تفسیر، روش، علم،
قرآن، مبانی.

چکیده

تلاش‌ها همواره برای فهم آیات قرآن کریم وجود داشته است. برخی برای فهم آن راه تعقلی و فلسفی را در پیش گرفتند. برخی به معرفت‌شهودی روی آوردند و برخی با تمسک با آیات (آفاقی و انفسی) با دید روش علمی قرآن کریم را مورد مطالعه قرار داده‌اند. هدف از روش تفسیر علمی قرآن کریم توضیح‌دادن آیات قرآن به وسیله علوم جدید است. منظور از علوم در اینجا علوم تجربی است؛ یعنی علمی که با شیوه امتحان و تجربه (آزمایش و خطا) درستی و یا نادرستی نظریات و قوانین حاکم بر طبیعت را بررسی می‌کند. این روش از زمان‌های دور آغاز گردیده و تا کنون ادامه دارد و از اهمیت خاص نیز برخوردار است و در اصل پذیرش و اعتبار آن اختلاف وجود دارد؛ ولی همیشه پله به نفع موافقان سنگینی می‌کند؛ هرچند اکثریت دانشمندان اسلامی در پذیرش آن اتفاق نظر داشته و آن را یکی از روش‌های مهم تفسیری دانسته‌اند؛ اما در شیوه استفاده و برداشت آن دقیقاً دیدگاه‌های گوناگون را مطرح نموده‌اند. برخی دیگر تفسیر علمی را به معنای استخدام علوم برای فهم بهتر آیات قرآن کریم و اثبات اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند. هرکدام برای اثبات مدعای شان دلایلی را ذکر نموده‌اند. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی از آسیب‌های روش تفسیر علمی که ناشی از زیاده‌روی و افراط در این نوع تفسیر است، نیز هشدار داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دانشمندان علوم قرآنی برای آن مبانی اساسی همچون قرآن‌محوری، تفاوت حیطة معارف دینی و بشری، استناد به قوانین قطعی، عدم مخالفت با مضامین مسلم شرعی و پرهیز از متهم‌نمودن امت اسلامی به جهالت را به هدف ملاک و معیار اعتبار این روش تعیین نموده‌اند.

مقدمه

برای فهم و دانستن متن و مراد خداوند متعال روش‌های گوناگون تفسیری وجود دارد؛ یکی از این روش‌ها همانا روش تفسیر علمی قرآن است و این نوع روش در میان مفسران و دانشمندان اسلامی از قرن دوم هجری- زمانی که نهضت ترجمه شکل گرفت- آغاز شد (نوبری، 1390: ص 66). دانشمندان اسلامی به منظور اثبات مباحث علمی و آشکار نمودن اعجاز علمی قرآن کریم که بخشی از اعجاز قرآن شمرده می‌شود به روش تفسیر علمی روی آوردند؛ مانند غزالی که آیات قرآن کریم را مشتمل بر تمام علوم دانسته و بر استخراج همه علوم از قرآن کریم تأکید نموده است (غزالی، 2014م: ص 27). و این روی کرد تفسیری بعد از قرن‌های چهارده و پانزده بنابر دلایلی از قبیل رشد چشم‌گیر علوم تجربی و علاقه‌مندی قشر تحصیل کرده مسلمان بر استخراج و استنباط مباحث علمی از منابع اسلامی به‌ویژه قرآن کریم و استخدام علوم جدید جهت فهم و تفسیر بهتر آیات قرآن روزبه‌روز در حال افزایش و گسترش است. به همین مناسبت برخی دانشمندان همانند طنطاوی، صاحب کتاب الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، آیات قرآن کریم را تفسیر علمی نموده و خواسته است تا از این مسیر تعارض میان دین و علوم جدید را دور کند و اعجاز علمی قرآن کریم را به نمایش بگذارد و حتی سعی نموده است برای اثبات این امور نظریات علمی را بر قرآن تطبیق و تحمیل نماید؛ در حالی که این نوع تفسیر نزد بسیاری دانشمندان نمونه کامل تفسیر به رأی شمرده می‌شود. به گمان آن‌ها این شیوه تفسیری به جای این که خدمتی برای قرآن کرده باشد، ممکن دچار آسیب‌های جدی گردیده و از اهداف اصلی آیات که همانا هدایت و تربیت انسان‌ها است، دور شوند. و برخی دیگر راه میانه را پیش گرفته روش تفسیر علمی را به معنای استخدام علوم برای فهم بهتر آیات قرآن با رعایت برخی مبانی و شرایط به کار برده‌اند. پس سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که مبانی روش تفسیر علمی معتبر چیست؟ و آسیب‌های ناشی از افراط و زیاده‌روی در این روش کدام‌ها است؟ یافته‌های تحقیق به همین موارد پاسخ می‌دهد. به نظر می‌رسد که مبانی و پیش‌فرض‌های روش تفسیر علمی را، قرآن محوری، تفاوت حیطة معارف دینی و بشری، استناد به قوانین قطعی و عدم مخالفت با مضامین مسلم شرعی تشکیل می‌دهد و آسیب این روش را می‌توان تعمیم نابه‌جا در یکی بودن کتاب تکوین و تشریح، مطلق‌انگاری علم، تطبیق نظریه‌های ثابت‌نشده علمی بر قرآن، زیاده‌روی در بحث اعجاز علمی و دور شدن از هدف تربیتی قرآن نام برد. تلاش‌ها و تحقیقات زیادی که در مورد روش تفسیر علمی قرآن صورت گرفته، با وجود آن خلای علمی تحقیقی در این خصوص دیده می‌شود و چندان توجه جامع و جدی وجود ندارد. برخی این تلاش‌ها را می‌توان نام برد؛ از آن جمله: 1- «رابطه قرآن و علوم بشری» نوشته محمدتقی مصباح (۱۳۶۸). او تصریح می‌دارد که میان قرآن و تمام

علوم بشری رابطه وجود دارد؛ در حالی که هدف در این نوشتار تنها علوم تجربی است، نه تمام علوم بشری. 2- «قرآن منشور زنده‌گی» نوشته یوسف قرضاوی (1391). نویسندگان در این اثر بیش‌تر به جایگاه و نقش قرآن در همه ابعاد اشاره داشته است و از لابه‌لای گفته‌هایش برخی شرایط تفسیر علمی به دست می‌آید که هیچگاه از جایگاه این تحقیق نمی‌کاهد. 3- «آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری» از محمد اسعدی (1389). نویسندگان در این اثر نسبت به تفسیر علمی قرآن کریم نگاهی منفی داشته؛ در حالی که هدف نوشتار حاضر اعتباربخشیدن به این روش است؛ چنانچه بیان گردید که اکثر این تحقیق‌ها یا به گونه خیلی گذرا به مبانی روش تفسیر علمی اشاره نموده و از آسیب‌ها سخنی به میان نیاورده است و یا این مبانی و آسیب‌ها تنها ناظر بر یک روش تفسیری خاص است. طبیعی است که همه تفاسیر علمی از مبانی واحد برخوردار نیست و همین‌گونه از آسیب‌های یک‌سان به همین اساس در تحقیق حاضر سعی شده است تا مبانی روش تفسیر علمی، گرچه مفسرین به آن‌ها تصریح نکرده است، استخراج گردیده و آسیب‌ها و پیامدهای ناگوار آن نیز روشن گردد. این تحقیق سعی دارد با روش توصیفی-تحلیلی مبانی روش تفسیر علمی را به عنوان راهنما و پیش‌فرض‌های اساسی جلو دست مفسران قرار دهد و از آسیب‌های ناشی از عدم رعایت این اصول و مبانی که همانا تحمیل نظریات علمی بر قرآن، دورشدن از هدف تربیتی آن و زیاده‌روی در بحث اعجاز علمی قرآن است، آن‌ها را آگاه سازد.

مواد و روش تحقیق

روش این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و از شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات به گونه کتاب‌خانه‌یی و مطالعات تفاسیر و کتاب‌های مرتبط کار گرفته شده است و همچنان نویسنده در این تحقیق از منابع و سایت‌های معتبر اینترنتی نیز استفاده نموده است.

تفسیر

واژه تفسیر مصدر باب تفعیل از ماده فسر اشتقاق شده است. در لغت به معنای بیان و توضیح دادن، آشکار ساختن امر پوشیده و کشف و اظهار معنای معقول آمده است (ابن فارس، 1410 و ابن منظور، 1404).

در کتاب التحقیق ماده «فسر» به معنای شرح همراهی توضیح آمده است (مصطفوی، 1368/ ج 9: ص 86). برخی کلمه تفسیر را دارای ریشه غیر عربی دانسته و معتقدند در متون قدیمی سریانی به معنای حل کردن و شرح کتاب مقدس به کار می‌رفته است (اصفهانی، بی تا: ص 394).

تفسیر در اصطلاح: دانشمندان تفسیر و علوم قرآن کریم برای تفسیر تعاریف گوناگونی ارائه نموده‌اند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود و سپس تعریف جامع به عنوان تعریف مورد نظر ترجیح داده می‌شود:

راغب اصفهانی تفسیر را این‌گونه تعریف نموده است: تفسیر عبارت است از کشف معانی قرآن و بیان مقصود آن است؛ اعم از این‌که این کشف و بیان از جهت مشکل بودن لفظ و یا بدون آن از جهت معنی و یا غیر آن باشد (راغب اصفهانی، بی‌تا: ص 68).

سیوطی نیز در کتاب الاتقان تفسیر را این‌گونه تعریف نموده است: «تفسیر علمی است که از احوال قرآن از نظر دلالت بر مرادش متناسب با درک و فهم بشر بحث می‌کند.» (سیوطی، 1407 ق: ص 28) بدرالدین زرکشی تفسیر را چنین تعریف نموده است: «تفسیر علمی است که به وسیله آن کتاب نازل شده بر پیامبر فهمیده می‌شود و معانی آن بیان می‌گردد و احکام و حکمت‌های آن استخراج می‌شود.» (زرکشی، 1410 ق/ ج 1: ص 33)

اصفهانی رضایی این‌گونه تعریف نموده است: «تبیین معنای استعمالی آیات قرآن و آشکارکردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره با استمداد از منابع و قراین معتبر است.» (اصفهانی رضایی، ۱۳۹۶/ ج: ص 28)

به نظر نگارنده تعریف چهارمی جامع و علمی است؛ چون به همه مواردی که در تفسیر نقش داشته، اشاره شده است.

علم

کلمه علم عربی است و در لغت به معنای دانستن، آگاهی، ادراک و معرفت است (دهخدا، 1372). علم در اصطلاح: راجع به مفهوم اصطلاحی علم تعاریف مختلفی وجود دارد که از باب مشت نمونه خروار به چند مورد آن اشاره می‌گردد:

اعتقاد یقینی مطابق با واقع در برابر جهل مرکب و بسیط (مصباح یزدی، 1371/ ج 1: ص 61). علم به معنای به‌وجود آمدن حقایق و اطلاعات اشیا در ذهن است (جرجانی، 1999 م/ ج 1: ص 49). قابل یادآوری است که علم انواع و اقسام متعدد و یا گونه‌گونی دارد که منظور از علم در این تحقیق علم تجربی است. پس، به این معنی علم عبارت از مجموعه قضایای حقیقی است که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد (اصفهانی رضایی، ۱۳۹۶/ ج 5: ص 28).

مفهوم تفسیر علمی: همان‌گونه که در بحث‌های آینده می‌آید تفسیر علمی دارای موافقان و مخالفان است که اینک تعریف تفسیر علمی از منظر مخالفان و موافقان گذرانده می‌شود:

احمد عمر ابو حجر تفسیر علمی را این‌گونه تعریف نموده است: تفسیر علمی تفسیری است که در آن مفسر می‌کوشد عبارات قرآنی را در پرتو حقایق ثابت علمی بفهمد و رازی از رازهای اعجاز قرآن را کشف کند؛ زیرا آیات قرآن معلومات علمی دقیقی را در بر دارد که بشر در هنگام نزول به آن آگاهی نداشت (ابو حجر، 1389: ص 66).

دکتر ذهبی در مورد تعریف تفسیر علمی می‌نویسد: «مقصود ما از تفسیر علمی آن تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآن حاکم می‌کند و تلاش می‌نماید علوم مختلف و نظریات فلسفی را از قرآن استخراج سازد (ذهبی، 1396/ ج 2: ص 274).

انواع تفسیر علمی

تفسیر علمی دارای چند گونه‌ی اساسی است که برخی آن‌ها صحیح و برخی غیر صحیح است. به‌کارگیری شیوه‌ها و در نظر داشت مبانی درست موجب اعتبار و قبول تفسیر علمی می‌گردد و به‌کارگیری از روش‌های غیر معتبر تفسیر علمی را از اعتبار خارج می‌سازد. و در ادامه ضمن تبیین انواع تفسیر علمی، نوع معتبر آن (میان دانشمندان) مشخص می‌گردد و مبانی روش تفسیر علمی که بخش مهم و اعظم این نوشتار را تشکیل می‌دهد، برای همین نوع تفسیر علمی مبنا و اساس قرار داده شده است.

استخراج همه‌ی علوم از قرآن

برخی از دانشمندان مانند ابوالفضل المرسی¹ و غزالی طرف‌دار این نوع تفسیر علمی‌اند و سعی کرده‌اند تا همه‌ی علوم را از قرآن استخراج نمایند؛ زیرا آن‌ها به این باور بودند که همه چیز در قرآن وجود دارد. استدلال غزالی در این مورد این است که افعال و صفات خداوند مشتمل و دربرگیرنده‌ی تمام علوم و دانش‌ها است و از آن‌جا که قرآن شرح ذات و افعال خداوند است، پس قرآن نیز باید مشتمل بر همه‌ی علوم باشد و تا جایی پیش رفته و گفته است که در قرآن تمام علوم موجود است که انسان‌ها قدرت درک آن‌ها را ندارند و تنها فرشته‌گان از آن‌ها بهره می‌برند (غزالی، بی‌تا/ ج 1: ص 289).

تحلیل و تطبیق نظریات علمی بر قرآن

این شیوه از تفسیر علمی در قرن اخیر رواج پیدا نمود و بسیاری افراد با مسلم‌پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند تا آیاتی موافق آن‌ها در قرآن کریم بیابند و هرگاه آیه‌ی موافق آن‌ها را نمی‌یافتند، دست به تأویل و تفسیر به رای برده و آیات را برخلاف معانی لغوی حمل می‌کردند؛ مانند این آیه‌ی شریفه:

ابوالفضل المرسی در سال 569 ق در شهر مرس به دنیا آمده است. شهرت وی به خاطر تفسیر و اندیشه‌های ویژه‌ی وی در تفسیر علمی و تناسب آیات بوده است. وی همانند غزالی معتقد است که قرآن جامع تمام علوم است دکتر ذهبی به نقل از وی چنین می‌گوید: قرآن علوم دیگری هم دارد؛ مانند طب، جدل، هیت، هند، جبر و مقابله. او برای علم طب به این آیت شریفه «وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوْمًا» (فرقان: 67) استناد جسته است.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (اعراف: 189)؛ ترجمه: «اوست خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت.» عبدالرزاق نوفل، دانشمند مصری، کلمه «نفس» را به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنی و تفسیر کرده و گفته است که منظور قرآن این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم (نوفل، 1393ق: ص 156). وی در این آیه هیچ نگاه و توجه به معنای لغوی و اصطلاحی نفس نکرده و برخلاف معنای لغوی آن حمل نموده است.

استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن

در این نوع تفسیر علمی، مفسر افزون بر دارابودن شرایط لازم با رعایت قواعد تفسیر معتبر دست به تفسیر علمی قرآن می‌زند و می‌کوشد با استفاده از مطالب یقینی و اطمینان‌آور علوم (که با دلیل عقلی و یا بدهت حسی پیش‌تنبانی می‌شود) و با ظاهر آیات قرآن کریم (طبق معنای لغوی و اصطلاحی موافق است) به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجمل قرآن را کشف و بیان کند. و همچنان بیانگر اعجاز علمی قرآن نیز است. این نوع تفسیر علمی نوع صحیح تفسیر علمی و مورد پذیرش اکثریت دانشمندان و مفسران است (اصفهانی رضایی، ۱۳۹۶/ ج 5: ص 214).

یافته‌های تحقیق

در این بخش از تحقیق مبانی و آسیب‌های روش تفسیر علمی توضیح داده می‌شود:

الف) مبانی روش تفسیر علمی: روش تفسیر علمی دارای مبانی‌یی که در ادامه به توضیح هر یک پرداخته می‌شود:

1. قرآن محوری: یکی از مبانی روش تفسیر علمی، قرآن محوری است. مفسر قرآن باید بداند که قرآن معجزه جاویدان پیامبر اکرم (ص) و آیین نامه الهی و مهم‌ترین و رساترین منبع فرهنگ و علوم اسلامی است. و حقایق قرآنی حقایق نهایی، قطعی و مطلق است و گذشت زمان و پیشرفت علوم و تکنولوژی نمی‌تواند حقایق آن را فسخ کند (ابوحجر، 1389: ص 12).

پیامبر خدا (ص) در رابطه به جایگاه و نقش قرآن در همه ابعاد چنین می‌فرماید: «كِتَابُ اللَّهِ، فِيهِ نَبَأُ مَا كَانَ قَبْلَكُمْ، وَ خَبْرٌ مَا بَعْدَكُمْ وَ حُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ وَ هُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ. مَنْ تَرَكَهُ مِنْ جَبَّارٍ قَصَمَهُ اللَّهُ وَ مَنْ ابْتَغَى الْهُدَى فِي غَيْرِهِ أَضَلَّهُ اللَّهُ وَ هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ وَ هُوَ الذِّكْرُ الْحَكِيمُ وَ هُوَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ.»¹ (ترمذی، 1421ق)

¹ از حضرت علی روایت شده است که پیامبر خدا (ص) فرموده است: «کتاب خدای تبارک و تعالی است؛ در قرآن خیر پیشینیان شما، خیر پسینیان شما و داوری در میان شماست. قرآن سخنی است قاطع و فیصله‌دهنده که شوخی و بازیچه

لذا مفسر قرآن به هر روش و مسلکی که بخواهد دست به تفسیر بزند، باید جانب قرآن را در هر حال و تحت هر شرایطی اصل مسلم و قطعی بگیرد و هر جا که تعارضی بین قرآن و غیر آن به نظر برسد، باید قرآن را مقدم بدارد؛ چه رسد به فرضیه‌ها و تیوری‌ها و نظریاتی که در طول تاریخ دست‌خوش تغییر و تحول بوده و خواهند بود. نکته‌ی که باید که دقت شود این است که قرآن بیانگر هر چیزی است که بیانش در شأن قرآن باشد؛ چنانچه خداوند می‌فرماید: «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: 89)؛ ترجمه: «قرآن بیانگر هر چیزی است.» باید دانست که این بیان گاهی ظاهری است با این قید که قرآن بیانگر هر چیزی است که بیان آن در شأن قرآن بوده باشد. بیان فرمول بمب اتم و جزئیات علوم فیزیک و شیمی شأن و رسالت قرآن نیست. این قید در آیات دیگری نیز مشاهده می‌شود: قرآن درباره بلقیس می‌فرماید: «وَأَوْتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» (نحل: 23)؛ ترجمه: «از هر چیز به او داده شده.» به این معنی نیست که هیچ نقصی نداشت و همه چیز به او داده شده بود. بدیهی است که منظور از کل شیء در آیه شریفه هر چیزی که شأن سلطنت او و متناسب با حکومت او بود، در اختیارش گذاشته شده بود؛ ولی آیا هواپیما و موشک و تانک هم داشت؟ در حالی که پاسخ نخیر است. قرآن کریم کتاب هدایت است و برای نیل به این مهم به تمام ابعاد زنده‌گی بشر نظر داشته و از همه راه‌های سالم و مفید بهره جسته است. در طرح مباحث عقیدتی و اخلاقی گاهی به یک سلسله مباحث طبیعی نیز اشاره کرده است. این اشارات نه به قصد بیان و طرح مسأله علمی و تجربی است؛ بلکه زمینه‌ی است برای گردش‌دادن انسان به درک عظمت، رحمت، حکمت الهی و یادآوری نعمت‌های او و نهایتاً شکرگزاری بنده‌گان و اطاعت و تسلیم آنان در برابر خداوند تبارک و تعالی است (مصباح، 1368: ص 54).

2. تفاوت حیطة معارف دینی و علم (بشری): مفسر قرآن کریم باید بداند که حیطة معارف دینی با حیطة معارف بشری انطباق ندارد. معارف بشری و از جمله علوم طبیعی و یافته‌های آن رسوخ در حیطة‌هایی دارد که قرآن کریم و دین در آن حوزه ساکت و در آن قلمرو سخن ندارد؛ چون شأن و مقام قرآن بالاتر و مهم‌تر از این‌هاست. البته در پاره‌یی از موارد ممکن است وحدت حوزه و نظر و قلمرو داشته باشند؛ ولی در بسیاری جاها باهم تفاوت دارند. بنابراین، حقایق دینی حقایق مسلم و قطعی‌الصدور هستند و نباید مشکل تعارض بین قرآن (دین) و علم را با قربانی نمودن قرآن و دین حل کرد. متأسفانه اغلب چنین عمل می‌شود. پس، در تفسیر قرآن کریم از هر نوع که باشد، نباید انتظار داشت که از قرآن کریم آن چیزی را تحصیل کند که با یافته‌های علمی مبتنی بر فریضه و آزمون‌ها وفاق داشته باشد (جلیلی، 1372: ص 22).

نیست. هرکس آن را از سر گردن‌کشی و استکبار فروگذارد، خداوند کمر او را می‌شکند و هرکس هدایت را در غیر آن طلب کند، خداوند او را گمراه می‌کند. قرآن ریسمان مستحکم خداوند و ذکر حکیم و صراط مستقیم است.»

3. استناد به قوانین قطعی در صورت لزوم: دخیل کردن مسایل علمی در تفسیر آیات اگر با رعایت حد اعتدال نه افراط و نه تفریط همراه باشد و از محیط فرضیه‌ها و تیوری‌ها قدم بیرون نهاده وارد محیط قوانین علمی که با دلایل قطعی یا مشاهدات مسلم ثابت شده باشد و دلالت آیات قرآن نیز در این امور صریح و روشن باشد، نه تنها مانع نیست، بلکه از منظر بسیاری دانشمندان علوم قرآنی و تفسیر بیان تطابق و همخوانی قرآن و علوم در واقع بیان جایگاه و عظمت این کتاب الهی است. اصولاً چه مانعی دارد معتقد باشیم که قرآن در ضمن بحث‌های توحیدی و خداشناسی و امثال این‌ها پرده از روی یک سلسله حقایق علمی بردارد و پیروان خود را در جریان آن بگذارد و علاوه بر نتایج توحیدی و اخلاقی که هدف اصلی آیات است، نشانه‌یی بر حقانیت قرآن و هم راه‌گشای علوم و دانش‌ها باشد؛ اما مشروط بر این‌که اولاً: به آن دسته از مسایل طبیعی استناد شود که صد در صد ثابت و مسلم شده باشند؛ مانند قانون جاذبه، زوجیت گیاهان، حرکت زمین و منظومه شمسی و امثال این‌ها که با دلالت حسی هم ثابت شده‌اند. ثانیاً: دلالت آیات بر این دسته مباحث آن‌چنان روشن و آشکار باشد که نیازی به تأویل، تکلف و تطبیق نداشته باشد. اگر باب توجیهات ساخته‌گی در اینجا باز شد، دیگر صحبت از تفسیر علمی به میان نمی‌آید؛ بلکه مصداق تفسیر به رأی خواهد بود (مکارم شیرازی، 1381: ص 145).

4. عدم مخالفت با مسلمات شرعی: شرع مقدس اسلام یک سری حقایق مسلم و قطعی دارد که به هیچ‌وجه با گذشت زمان رنگ تغییر و تحول و جامه تبدیل و دگرگونی بر تن نمی‌کند. علاوه بر اصول دین، اکثریت قریب به اتفاق احکام فرعی و عبادات و نیز بسیاری از اخلاقیات دینی ما از این ویژه‌گی (ثبوت و عدم تغییر) برخوردارند. علم بشر به هر کجا که برسد و تکنولوژی به هر درجه‌یی نایل شود، شرب خمر حلال نمی‌شود، دروغ و غیبت پسندیده نخواهد بود و ارزش‌ها ضد ارزش نمی‌شوند. دقیقاً بحث در این‌جا از اصول مسلم شرعی است نه از مسایلی که شرع مقدس در مورد آن‌ها نظر قطعی و صریح خود را اعلام نکرده، بلکه درک و شناخت دقیق آن‌ها را به فکر، عقل، علم و تلاش خود آدمی واگذار نموده است. نظریه داروین در مورد خلقت انسان خلاف نص صریح قرآنی است. مفسری که دارای گرایش علمی است، باید مواظب باشد که مبادا با قطعی گرفتن پاره‌یی از نظریات و فرضیات این‌چنینی علی‌الرغم میل باطنی خود برای آشتی بین قرآن و علم دست به تأویل ناروا بزند و صراحت آیات را فدای گرایش علمی خود نماید (اصفهان‌ی رضایی، 1383: ص 241).

5. پرهیز از متهم نمودن امت اسلام به جهالت: رای و نظر و یا تفسیر علمی نباید به گونه‌یی باشد که امت اسلامی اعم از صحابه و تابعین و تبع تابعین و پیشگامان علوم و معارف شریعت را در طول تاریخ اسلام به نفهمیدن قرآن متهم نماید و این اندیشه ایجاد شود که فقط فلان عالم توانسته است آنچه را

که دیگران در مورد کتاب خدا نمی‌دانسته است، کشف کند؛ چون لازمهٔ چنین چیزی این خواهد بود که خداوند کتابی را بر مردم نازل فرموده باشد که آن را به درستی فهم کرده نمی‌توانند و از معانی و مقاصد آن بی‌خبر و ناآگاه بوده‌اند؛ در حالی که خداوند در توصیف آن تعبیراتی همچون «کتاب مبین»، «نور» و «هدی للناس» را بیان کرده است. به همین خاطر، باید در این نوع تفسیر به این گمان باشیم که تفسیر علمی یک سری مطالبی را بر مسایل مورد توجه گذشته‌گان اضافه نموده است، نه این که علم و استنباط آنان را یک‌سره بی‌اثر و بی‌اعتبار گرداند (قرضاوی، 1391: ص 625).

(ب) **آسیب‌های روش تفسیر علمی:** روش تفسیر علمی قرآن کریم با وجود داشتن مزایا و فواید آن دارای آسیب‌های فراوان نیز است که این آسیب‌ها می‌تواند به جایگاه اصلی آیات قرآن کریم لطمه وارد نماید. به همین جهت، در ادامه آسیب‌های آن بررسی می‌گردد:

1. تعمیم نابه‌جا به یکی بودن کتاب تکوین و تشریح: زمانی که علوم رشد چشم‌گیر پیدا نمود و گرایش به تفسیر علمی به وجود آمد، برخی از مفسران علمی همانند طنطاوی در مقام عمل به یکی بودن کتاب تکوین و تشریح روی آوردند. این گروه با توجه به این که نظام‌های مختلفی در هستی و تشریح وجود دارد، این نظام‌ها را از حوزهٔ خودش خارج نموده و به حوزه‌های دیگر سرایت داده‌اند؛ در حالی که هریک از این نظام‌های هستی از قواعد خاصی پیروی می‌کنند که به هیچ‌وجه در دیگری جاری نیست و حتی ویژه‌گی‌های یک موجود با موجودات دیگر متفاوت است. طنطاوی، صاحب تفسیر جواهرالقرآن که تفسیر آن نمونهٔ کامل تفسیر علمی است، بارها بر اساس این مبنا نظام‌ها را تعمیم داده است. ایشان محبت را که بیانگر رابطه‌ی عاطفی میان انسان‌ها است با پیوندهای مالکولی حاکم در عالم عناصر و شیمی تشبیه کرده است. او رابطهٔ شیمیایی میان هیدروژن و اکسیژن را با عشق و محبت همسان می‌داند (اسعدی، 1389: ص 467). این خود آسیبی است که اکثریت با آن گرفتارند.

2. مبنی قرارگرفتن علم در تفسیر آیات غیبی: بدون تردید علوم جهان مادی محدود و قابل تجربه‌اند؛ لذا نمی‌تواند در مورد آنچه که خارج از این محدوده است، داوری کند؛ اما علم‌زده‌گی در برخی مفسران علمی موجب شده است که علم را از حوزهٔ جهان مادی به فراتر از آن تعمیم دهند؛ معجزات انبیا و وجود موجودات غیر مادی مانند ملائکه، جن و... هرگز قابل تجربه نبوده و از محدودهٔ تفسیر علمی خارج‌اند؛ اما در برخی تفاسیر این محدودهٔ علم رعایت نشده است. سر سید احمدخان¹ در بحث از معجزهٔ

¹. سر سید احمدخان در سال 1817 میلادی در هند دیده به جهان گشود. از وی تألیفات متعددی به‌جا مانده است؛ از جمله تفسیر، تفسیرالقرآن هوالهدا والفرقان تفسیر وی اولین کتابی بود که راه تأویل به شیوهٔ علمی و عصری را در تبیین مفاهیم قرآن گشود. به گمان وی آنچه را که گذشته‌گان گفته بود با علم سازگاری نداشت، از بین برد و روش جدیدی را اساس گذاشت. به همین مناسبت نقدهای فراوانی متوجه آن شده است.

حضرت موسی در شکافتن نیل می‌کوشد تا توجیهات جغرافیایی‌یی برای رد شدن از قسمتی از این گذرگاه دریایی بیابد؛ هم‌چنان که بعضی دیگر جن را به میکروب تفسیر کرده‌اند و یا ملایکه و شیطان را نیروهای طبیعت دانسته‌اند. بسیاری دانشمندان به شدت این روی‌کرد افراطی را مورد انتقاد قرار داده و معجزات را امر خارق‌العاده دانسته‌اند (اوحجر، 1389: ص 13).

3. عدم توجه به استعمال واژه‌ها در قرآن: واضح است که هر متنی زبان خاص خودش را دارد و واژه‌ها موضوع را در دایره معنایی خاص خودش به‌کار برده است. قرآن نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ از این‌رو، رسیدن به فهم عمیق و دقیق از نظر قرآن درباره هر موضوعی از موضوعات اخلاقی، اعتقادی، فقهی و یا هرواژه‌یی از واژه‌گان جز با جمع‌آوری و بررسی تمام آیات ناظر به آن موضوع امکان‌پذیر نیست. برعکس در موضوعات علمی به استعمال واژه‌ها توجه نمی‌گردد؛ در حالی که توجه به استعمال واژه‌گان را اکثریت مفسران یکی از شرایط صحیح و معتبر تفسیر قرار داده‌اند (اسعدی، 1389: ص 473).

4. تطبیق نظریه‌های ثابت‌نشده علمی بر قرآن: به رغم این‌که هواداران تفسیر علمی خود تأکید دارند بر این‌که در تطبیق مطالب علمی بر قرآن فقط از نظریه‌های ثابت‌نشده علمی استفاده شود و از تحمیل تیوری‌های علمی که ثابت نشده است و ممکن است بعداً خلاف آن ثابت شود، جداً پرهیز شود؛ ولی برخی از مفسران علمی که خود نیز بر رعایت چنین مسایلی تأکید می‌ورزند، در مقام عمل دچار اشتباه شده و خیلی از این نظریات علمی ثابت‌نشده را بر قرآن تطبیق نموده‌اند. اصفهانی رضایی در این زمینه می‌نویسد: «تفسیر علمی در بسیاری از موارد منجر به تفسیر به رأی می‌شود. از بعضی افرادی که تخصص کافی در قرآن و تفسیر آن ندارند، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کنند و این یکی از مواردی است که افراد دچار تفسیر به رأی می‌شوند. و ممکن است برخی افراد با توجه به آیات ناظر به علوم مختلف بخواهند نظریات انحرافی و یا الحادی خود را اثبات کنند و این کار را از شیوه تفسیر علمی به پیش می‌برند که موجب تحمیل نظرات بر قرآن بوده و از مصادیقی مسلم تفسیر به رأی است. به هر صورت، برخی افرادی که به تفسیر علمی پرداخته‌اند، شناخت عمیق و دقیق از علم نداشته‌اند. روی همین علت، به تیوری‌های علمی اثبات‌نشده پرداخته و بر قرآن تحمیل کرده‌اند (اسعدی، 1389: ص 220). از آن‌جایی که نظریات در حال تغییر است و این تغییرات موجب مغایرت با ظاهر قرآن می‌شود که این امر سبب ایجاد تردید در صحت مطالب قرآن می‌گردد (مظفری کیا، 1400: ص 57).

5. زیاده‌روی در بحث اعجاز علمی: از آسیب‌های جدی دیگر تفسیر علمی قرآن، زیاده‌روی در نسبت‌دادن مطالب علمی به قرآن کریم است. آوردن مطالب علمی زیاد در تفسیر قرآن موجب می‌شود که هدف اصلی قرآن که برای تربیت، تزکیه انسان و هدایت اوست، به حاشیه کشانده شود. کما این‌که

طنطاوی و دیگران چنین کرده‌اند. قرآن کتاب تربیتی و هدایتی است و برای آموزش علم و تکنولوژی نازل نشده است. تنها رسالت آن هدایت نوع بشر است؛ لذا برای جلوگیری از این مشکل باید از زیاده‌روی در اعجاز علمی قرآن پرهیز شود و تنها مواردی را از اعجاز علمی قرآن شمرد که از نظر علم تجربی ثابت شده باشد که به چنین حقیقتی در زمان بعثت با ابزار معمولی بشری دست‌یافتنی نبوده است (اصفهان‌ی رضایی، 1383: ص 386). علاوه بر حاشیه‌کشاندن هدف اصلی قرآن، به اعجاز ادبی و بلاغت قرآن نیز صدمه وارد می‌کند؛ چون متخصصان کوشش می‌کنند تا رابطه میان علم و قرآن را روشن کنند؛ در حالی که بخش مهمی از اعجاز قرآن کریم که همانا اعجاز ادبی بلاغی قرآن است، به باد فراموشی سپرده می‌شود (مظفری کیا، 1400: ص 58).

6. عدم توجه به سیاق آیات: زبان‌شناسان در بحثی از معنای عبارت به دو سطح از معنی اشاره می‌کنند: معنای واژه و مراد گوینده. از آن جایی که واژه‌گان معانی متعددی دارند، با توجه به لحن می‌توانند معانی مختلف داشته باشند. تعیین این که مراد گوینده چه بوده است، تنها با توجه به سیاق و چینش کلمات امکان‌پذیر است. عدم توجه به سیاق آیات یکی از عوامل در افتادن به تفسیر نادرست از هر کلام و از جمله قرآن است. از نمونه‌های آن می‌توان به تفسیر آیت 33 سورة الرحمن «یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَفَعْتُمْ أَنْ تَتَفَدُّوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ» اشاره نمود. برخی مراد از سلطان را در این آیه علم دانسته‌اند؛ بدین معنی که با بهره‌گیری از علم می‌توان به فضا صعود کرد. این در حالی است که این آیت در سیاق آیات قیامت قرار دارد که هدف آن اشاره به فرار کردن انس و جن از ملک الهی است (اسعدی، 1389: ص 488).

7. دور شدن از هدف تربیتی قرآن: یکی از آسیب‌های دیگر تفسیر علمی این است که هدف اصلی قرآن که تربیت انسان و هدایت او به سوی خداست فراموش می‌شود و قرآن صرفاً به‌عنوان یک کتاب خشک و بی‌روح، علمی معرفی شود. خلاصه کلام این که هدف قرآن، تربیت معنوی انسان است و در این راه لازم نیست همه معارف تجربی و غیر تجربی را برای بشر بیان کند؛ چون انسان عقل و احساس دارد و خود می‌تواند مسایل تجربی و علوم را به دست آورد. به علاوه، این علوم لازمه لاینفک تربیت معنوی انسان نیست (ابوحجر، 1389: ص 11).

مناقشه

روش تفسیر علمی دارای موافقان و مخالفان زیادی است؛ ولی آنچه که در این تحقیق بیان گردیده است، از منظر موافقان است؛ آن‌ها برای این روش مبانی و پیش‌فرض‌های اساسی را به‌منظور اعتباربخشیدن آن در نظر گرفته‌اند و از طرف دیگر آسیب‌های زیادی را نیز متوجه این روش گردانیده است و اکثر

محققان اگر چند موافق تفسیر علمی‌اند، ولی در عمل و تطبیق این روش مبانی و شرایط سختی را تعیین نموده‌اند که این مبانی و شرایط ساحه را برای روش تفسیر علمی تنگ ساخته است. به نظر نگارنده بهتر است که این مبانی به قدر امکان رعایت گردد؛ ولی شرایط و عصر حاضر ایجاب می‌کند تا در تطبیق این روش تسامح صورت گیرد؛ چون علوم تجربی در دنیای غرب به اوج خود رسیده است. آنچه مایه مباهات آن‌ها گردیده است رشد و گسترش علوم است که به وسیله آن داده‌های دین و مذهب را یک‌سره بی‌اعتبار اعلام می‌کنند. پس، بهتر است روش تفسیر علمی با رعایت مبانی حداقل امکان نه به گونه سخت‌گیرانه گسترش یابد و قرآن کریم به عنوان کتاب زنده، پویا و تبیاناً لکل شیء به جهانیان معرفی گردد.

نتیجه‌گیری

با توجه به موضوعاتی که نگاشته شد، نگارنده به نتایج ذیل دست یافته است:

- 1- تفسیر به معنای کشف و پرده‌برداری از ابهامات کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آن‌ها است.
- 2- تفسیر علمی قرآن کریم به معنای استخدام علوم برای فهم بهتر آیات قرآن کریم است و همچنان به معنای ارتباط آیات قرآن و یافته‌های علوم تجربی است. در این روش اگرچند در رابطه به شیوه‌های تفسیر علمی دیدگاه‌های مختلف مطرح شده است که دیدگاه میانه همانا استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن کریم می‌باشد.
- 3- دانشمندان اسلامی در رابطه به روش تفسیر علمی مبانی متعددی را مطرح کرده است که عبارت‌اند از: 1- قرآن‌محوری: این مبنا مهم‌ترین اصل در رابطه به روش تفسیر علمی مطرح شده است. به این معنا که در تمام موارد تعامل علم و قرآن باید جانب قرآن را ترجیح داد. 2- تفاوت حیطة معارف دینی با علوم بشری. به این معنی قرآن کریم در بسیاری حوزه‌های طبیعی ساکت است. 3- پرهیز از متهم‌نمودن امت اسلامی به جهالت به‌عنوان کلیدی‌ترین مبنی در روش تفسیر علمی پذیرفته شده است. مفسرانی که دارای گرایش علمی در تفسیر هستند، متوجه این امر مهم بوده و جایگاه بزرگانی چون صحابه، تابعین و سایر بزرگانی که در عصر آن‌ها هنوز علوم تجربی به شگوفایی نرسیده بودند، مصون بمانند. مفسرانی که در تفسیر قرآن روش علمی را به‌منظور فهم قرآن در پیش گرفتند، افزون بر این، دچار آسیب‌ها و لغزش‌های فراوانی نیز گردیده‌اند؛ از قبیل تعمیم نابه‌جا در یکی‌بودن کتاب تکوین و تشریح، مبنی‌قرارگرفتن علم در تفسیر آیات غیبی، عدم دلالت لفظ بر معنای مورد نظر، زیاده‌روی در بحث اعجاز علمی قرآن و دورشدن از هدف تربیتی قرآن.

منابع

۱. قرآن کریم
1. ابن منظور، محمد بن مکرم. (1404 ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
2. ابوحجر، احمد عمر. (1991). التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان. بیروت: دارالکتبه.
3. احمد، ابن فارس. (1410 ق). معجم مقایس اللغه. بیروت: الدارالاسلامیه.
4. اسعدی، محمد. (1389). آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
5. اصفهانی رضایی، محمد. (1396). منطق تفسیر قرآن (1). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشرالمصطفی.
6. اصفهانی، محمدعلی. (1383). درآمدی بر تفسیر علمی قرآن. قم: انتشارات اسوه.
7. ترمذی، محمد بن عیسی. (1421 ق). الجامع الصحیح سنن الترمذی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
8. جرجانی، میر سید شریف. (1999). شرح مواقف. بیروت: دار سعدالدین.
9. جلیلی، سید هدایت. (1372). روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن. انتشارات کویر.
10. دهخدا، علی‌اکبر. (1372). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
11. ذهبی، محمدحسین، (1396). التفسیر و المفسرون. مصر: دار احیاء التراث.
12. راغب اصفهانی، حسن بن محمد. (بی‌تا). جامع‌التفاسیر. تحقیق احمد حسن فرحات، دارالدعوة.
13. راغب اصفهانی، حسن بن محمد. (1387). مفردات الفاظ قرآن. ترجمه حسین خدایپرست، قم: نوید اسلام.
14. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله. (1410 ق). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
15. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن ابی بکر. (1407 ق). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
16. صابونی، محمدعلی. (1388). التبیان فی علوم القرآن. تهران: انتشارات احسان.
17. غزالی، ابوحامد محمد. (۲۰۱۴م). جواهرالقرآن. تحقیق محمد عبدالسلام شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
18. غزالی، ابوحامد. (بی‌تا). احیاء علوم‌الدین. بیروت: دارالمعرفه.
19. قرضایی، یوسف. (1391). قرآن منشور زنده‌گی. مترجم: عبدالعزیز سلیمی، تهران: انتشارات احسان.

20. مصباح یزدی، محمدتقی. (1371). آموزش فلسفه. تهران: مرکز نشر و چاپ سازمان تبلیغات اسلامی.
21. مصباح، محمدتقی. (1368). رابطه قرآن با علوم بشری. کیهان اندیشه، شماره 28.
22. مصطفوی، حسن. (1368). التحقيق فی کلمات القرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
23. مظفری کیا، معصومه. (1400). تفسیر علمی از دیدگاه علامه طباطبایی. فصل نامه تحقیقات قرآنی و حدیثی، شماره 6.
24. مکارم شیرازی، ناصر. (1381). پیام قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
25. نوبری، علی رضا. (1390). آسیب شناسی تفسیر علمی با محوریت تفسیر پرتوی از قرآن. فصل نامه مطالعات تفسیری، شماره 8.
26. نوفل، عبدالرزاق. (1393ق). القرآن و العلم الحدیث. بیروت: دارالکتب العربیه.



© Author(s) 2024. This work is distributed under <https://creativecommons.org/licenses/by-sa/4.0/>